

**ORIGINAL ARTICLE**

# Knowing the Principles of Place Perception in Historical Monuments with a Phenomenological Approach (Case Study: Sahibqraniyeh Palace and Ferdous Garden, Tehran)

Mohammad Marzban Rad<sup>1</sup>, Mohammad Hassan Talebian<sup>2</sup>, Eskander Mokhtari Taleghani<sup>3</sup>

1. Ph.D. student Department of Architecture, Faculty of Architecture, Emirates Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Correspondence**

Mohammad Hassan Talebian  
Email: mh.talebian@ut.ac.ir

**How to cite**

Marzban Rad, M.; Talebian, M.H.; Mokhtari Taleghani, E. (2023) Knowing the Principles of Place Perception in Historical Monuments with a Phenomenological Approach (Case Study: Sahibqraniyeh Palace and Ferdous Garden, Tehran), *Physical Social Planning*, 8 (4), 32, 57-72.

**ABSTRACT**

Locality is a feature that shows dependence on a place. The principles of attitude towards the place and location of any building are related to four characteristics, including figure and image, order, identity and memory, which originate from mental-internal and physical-external impressions. Emphasizing the phenomenological approach, the current research seeks to reread the principles of location in historical buildings and find the relationship between physical and perceptual factors with the attitude of place in buildings, which was carried out using a mixed (qualitative-quantitative) research method. The statistical population of the research includes 1- historical monuments and 2- experts, thinkers and specialists. The statistical sample of the first group includes two historical buildings in Tehran (Sahibqraniyeh Palace) and (Firdous Garden) and the second group includes 20 experts, thinkers and experts who are experienced and knowledgeable about the subject of the research. Analysis of documentary data and field observations has been done using SPSS software. The physical indicators obtained from the theoretical findings include "materials", "form and proportions", "color", "lighting" and "natural elements", which were prioritized based on a survey among the statistical community through AHP test and using Expert Choice software. The results of the measurement of the indicators studied in the two historical monuments of Sahibqraniyeh Palace and Ferdous Garden show that there is no significant relationship between any of these indicators, and among the physical indicators, the index of "natural elements (plants and water)" has the highest percentage of influence on the perception of the building. The results of this research show that the principle of identity through physical indicators in buildings such as form and proportions, lighting along with the principle of figure and image through physical indicators (materials, color and proportions) have caused audience perceptions of these buildings. Therefore, by restoring these two important principles, the placement of buildings can be improved.

**KEYWORDS**

Locality, Attitude of place, Phenomenology, Sahibqraniyeh Palace, Ferdous Garden.

نشریه علمی

## برنامه‌ریزی توسعه کالبدی

«مقاله پژوهشی»

# شناخت اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه (مورد مطالعه: کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس تهران)

محمد مرزبان‌راد<sup>۱</sup>، محمدحسن طالبیان<sup>۲</sup>، اسکندر مختاری طالقانی<sup>۳</sup>

### چکیده

مکانمندی خصوصیتی است که وابسته بودن به مکان را نشان می‌دهد. اصول نگرش به مکان و مکانمندی بنایی وابسته به چهار خصوصیت پیکره و سیما، نظم، هویت و خاطره است که از برداشت‌های ذهنی-درونی و فیزیکی - بیرونی نشأت می‌گیرد. پژوهش حاضر با تأکید بر رویکرد پدیدارشناسانه، به دنبال بازخوانی اصول مکانمندی در بناهای تاریخی و یافتن ارتباط میان عوامل کالبدی و ادراکی با نگرش مکان در بناهاست که با استفاده از روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی)، انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را دو گروه بناهای تاریخی و صاحب‌نظران، اندیشمندان و متخصصان تشکیل داده است که در این تحقیق نمونه آماری گروه اول شامل دو بنای تاریخی در شهر تهران (کاخ صاحبقرانیه) و (باغ فردوس) و گروه دوم، شامل ۲۰ نفر از صاحب‌نظران، اندیشمندان و کارشناسان مجرب و مطلع پیرامون موضوع تحقیق است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفته است. شاخص‌های کالبدی به‌دست آمده از یافته‌های نظری شامل «مصالح»، «فرم و تناسبات»، «رنگ»، «نورپردازی» و «عناصر طبیعی» است که بر اساس نظرسنجی میان جامعه آماری از طریق آزمون AHP و با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice اولویت‌بندی شده است. یافته‌های حاصل از سنجش شاخص‌های مورد مطالعه در دو بنای تاریخ کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس نشان می‌دهد که میان هیچ‌کدام از این شاخص‌ها رابطه معناداری وجود ندارد و از میان شاخص‌های کالبدی شاخص «عناصر طبیعی (گیاه و آب)» بالاترین درصد تأثیر را در ادراک بنا دارند. نتایج این تحقیق بیانگر این موضوع است که اصل هویت‌مندی از طریق شاخص‌های کالبدی در بناها همچون فرم و تناسبات، نورپردازی همراه با اصل پیکره و سیما به‌واسطه شاخص‌های کالبدی (مصالح، رنگ و تناسبات) که موجب برانگیختن ادراکات مخاطبان از این بناها شده‌اند. لذا با بازیابی این دو اصل مهم می‌توان مکانمندی بناها را بهبود بخشید.

### واژه‌های کلیدی

مکانمندی، نگرش مکان، پدیدارشناسی، کاخ صاحبقرانیه، باغ فردوس.

۱. دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: محمدحسن طالبیان  
رایانامه: mh.talebian@ut.ac.ir

استناد به این مقاله:

مرزبان راد، محمد؛ محمدحسن، طالبیان؛ مختاری طالقانی، اسکندر (۱۴۰۲). شناخت اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه (مورد مطالعه: کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس تهران)، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۸ (۴)، ۳۲-۵۷.

## مقدمه

امروزه با توجه به شرایط اخیر غالب و مسلط بر زندگی و حیات شهری، عدم توجه به فرهنگ و خلأ معنا و زوال پیوند های احساسی با مکان در بیشتر بناها مشهود است. دگرگونی و تحولات مداوم و مستمر، زمینه‌های سرعت و شتاب افزون‌تر در روند گسست و انحطاط مکان و زوال عوامل پیوند دهنده<sup>۱</sup> مخاطب با مکان را فراهم کرده است (ابی زاده، ۱۴۰۱). در شرایطی که نحوه ارتباط مخاطبان با مکان منعکس‌کننده ارزش‌ها و معانی آن است و سیستم ارزشی نظام اجتماعی از طریق فرهنگ، نمود و بازتاب می‌یابد (عزیز مقدم و هاشمی طغراجرودی، ۱۴۰۱)؛ شناخت روابط، رویکردهای جامع‌تر و حساس‌تر مدیریت آثار تاریخی - فرهنگی بیش‌ازپیش ضرورت می‌یابد (Newell & Canessa 2018).

بناهای تاریخی ایران، یکی از بارزترین مشخصه‌های معماری، هویت و فرهنگ ایران در طول تاریخ بوده و در دوران معاصر، تداوم و پیوستگی خود را با ساختمان‌های اطراف و هم‌جوار ازدست‌داده‌اند. لذا پرداختن به راهکارها و رویکردهایی در جهت بهبود کالبد بناهای معاصر از طریق احصاء اصول و مبانی پدیدارشناسی مکان بناهای تاریخی و بازتولید آن در کالبد بناهای معاصر هم‌جوار بناهای تاریخی، ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، نگرش مکان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه معماری است. به‌طوری‌که در چند دهه اخیر مطالعات مکان محور، نقش مهمی در ارتقای دانش ارتباطات انسان و محیط داشته‌اند و مفاهیم مرتبط با آن به‌طور فزاینده‌ای در طراحی، برنامه‌ریزی شهری و همچنین روانشناسی محیطی مورد استفاده قرار گرفته است (حبیب زاده کوزه کنانی و همکاران، ۱۴۰۱).

این بناها که شناسنامه فرهنگی جامعه به شمار می‌آیند، دارای ویژگی‌هایی متمایز و منحصر به فرد هستند؛ که این ویژگی‌ها می‌توانند در مکانمندی و هویت بخشی به آن‌ها نقش اساسی داشته باشند. ضمن اینکه ارزش‌های گوناگونی در هر اثر تاریخی - فرهنگی وجود دارد که دادوستدی پویا با یکدیگر داشته و بسته به جایگاه، یک ارزش نمود برجسته‌تری می‌یابند. کاوش در سیر شناخت ارزش‌ها در آثار تاریخی نشان می‌دهد این ارزش‌ها از عینی به ذهنی و از ملموس به ناملموس در حرکت‌اند (سمنانیان، حجت و محتشم، ۱۳۹۶). مهم‌ترین ارزش‌های تاریخی در یک بنا متشکل از «اصالت» بنا، «قدمت»، «منحصربه‌فرد بودن»، «رویداد مردم شناختی» و «زیبایی‌شناسی» است برای جنبه مکانیت بنا به صورت «پیکره و سیما»، «نظم فضایی و ادراکی»، «رخداد ذهنی» و «خاطره»

از آنجاکه تجربه مکان، از نحوه ارتباط بین شخص و محیط نشأت می‌گیرد، پس شناخت مکان در لحظه حضور در آن امکان‌پذیر است چراکه ساختار کالبدی با ویژگی‌هایش، تجارب ما از مکان، خاطرات و احساسات وابسته به مکان را زنده می‌نماید (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۸). زمان یا طول مدت آشنایی با یک مکان، نقش اساسی در معنا یافتن یک مکان در ذهن افراد بازی می‌کند به‌طوری‌که با افزایش مدت‌زمان آشنایی، افراد از سطح شناخت و ارتباط فیزیکی با مکان به سطح دل‌بستگی و علاقه‌مندی به مکان می‌رسند و با افزایش مدت‌زمان، مکان برای نامبردگان واجد کارکردهای اجتماعی می‌شود که در این حالت، مکان بخشی از هویت فرد به شمار می‌رود؛ بنابراین سطوح مختلف معانی در جریان تعامل فرد با مکان است. هرچه مدت‌زمان تعامل انسان با مکان بیشتر شود، فرد سطوح عمیق‌تری از معنا را نسبت به آن مکان ادراک می‌کند. تا زمانی که معنای مکان در ساختار فیزیکی ذهنی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصاویر ذهنی و تجارب انسان از مکان جستجو کرد. درواقع مکان نقش حیاتی در توسعه و حفظ هویت فردی و گروهی مردم دارد (پیوسته گر و اکبری، ۱۴۰۰).

مکانمندی، یکی از عوامل تبیین‌کننده پیوستگی بنا و محیط، کیفیتی است که از طریق مؤلفه‌های کالبدی، فضایی و ادراکات حسی و نمادین شکل می‌گیرد. از این رو می‌توان اذعان کرد که شناخت مکان در لحظه حضور در آن شکل می‌گیرد و ساختار کالبدی هر مکانی موجب شناخت آن می‌شود؛ زیرا اساس نظریه نگرش به مکان و مکانمندی با درک ویژگی‌های انسانی، کالبدی و فرهنگی اجتماعی حاصل می‌شود (مشهدی، ۱۴۰۱). مکان‌ها از جمله عوامل هویت بخشی هستند که با مؤلفه‌های فیزیکی ایستا، پدیدآورنده حس تعلق می‌گردد. درواقع تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی مکان به‌عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است (رحیمی و ایزدی زمان‌آبادی، ۱۴۰۱). گستره‌های معنایی هر مکان حاصل رویدادها، خاطره‌ها، افسانه‌ها و روایت‌های ذهنی مشترک و میزبانه‌های کالبدی ایستا، برآیند فیزیکی احجام، اشیاء، مصالح و حتی طبیعت و هر آن چیزی است که بستر کالبدی آن مکان را شکل می‌دهد. در این میان حوزه عملکردی مکان‌ها نیز که به کارکردها و فعالیت در آن‌ها می‌پردازد، در کنار دو حوزه دیگر، بخشی از هویت مبهم مکان را می‌شناسانند (Relph 1976:64).

دیدارکنندگان به وجود می‌آید (تابان، پور جعفر و پورمند، ۱۳۹۵).

۴- خاطره: اصلی‌ترین شرط برای هر بنایی به‌واسطه مکانیت یافتنش، خاطره است. انسان برای شناخت عناصر و اشیاء بنیادین باید شناختی از آن‌ها داشته باشد و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه خاطره‌ای از آن‌ها وجود داشته باشد (مشهدی، ۱۴۰۱). لازم به ذکر است که در صورتی که هریک از این مؤلفه‌ها در مکان وجود نداشته باشند، وضوح و روشنی مکان برای شهود ناظر از بین خواهد رفت و معنایی از پس مکان به آن متبادر نخواهد شد.

با عنایت به آنچه مذکور افتاد، نگرش مکان، به‌واسطه انسان، از دو بخش ذهنی- درونی و فیزیکی- بیرونی تشکیل می‌شود که در این پژوهش دیدگاه مکان به‌واسطه ادراک فیزیکی مخاطب از بنا و ادراکات حسی آن مورد بررسی قرار گرفته است. عمده‌ترین مطالعات انجام‌شده پیرامون موضوع پژوهش، به‌صورت موردی به مؤلفه‌هایی چون: «هویت مکان» و «حس مکان» و «دل‌بستگی به مکان» پرداخته‌اند که خلاصه‌ای از مطالعات انجام‌شده در دهه اخیر در جدول (۱) ارائه می‌گردد. در رابطه با پدیدارشناسی مکان‌های تاریخی نیز می‌توان به بررسی پدیدارشناسی مکان بازخوانی هویت مکانی بافت‌های تاریخی (پورمند و فلاح، ۱۳۹۲)، بازیابی سازمان فضایی باغ شهر صفوی قزوین، از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک (نوروزبورجانی و جوادی، ۱۳۹۵) و تأملی بر فرآیند معنا پردازی مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین و خوانش هویت کنونی آن از منظر پدیدارشناسی (سخاوت دوست و البرزی، ۱۳۹۸) اشاره داشت.

قابل تفکیک است (مشهدی، ۱۴۰۱) که در ادامه شرح مختصری از هر کدام از این مؤلفه‌ها ارائه می‌شود.

۱- پیکره و سیما (چشم‌انداز): سیمای بنا توسط شهروندان و مخاطبان هر بنا درک می‌شود. چنانچه سیمای بنایی نامناسب، نامعقول، بی‌ارتباط با محیط، نامطبوع، ناامن و... باشد چگونه می‌توان انتظار داشت که تصویر ذهنی مناسبی را در شهروندان ایجاد نماید (وحدت، کریمی مشاور و بخشی بالکانلو، ۱۳۹۶)

۲- نظم فضایی و ادراکی: هر مکانی به حکم ماهیت خود در فضا متحقق است و چون چنین بوده و هست به نظم فضایی نیازمند است که خود حاصل نظم ادراکی است. اتمسفر هر مکانی با یک شکل یکپارچه و انسجام فضایی تناظر برقرار می‌کند و تک‌تک عناصر این مکان به یاری این کلیت متناظر توصیف و شناخته می‌شوند (Schultz 2000). البته تمامی پدیده‌های طبیعی و همچنین امرهای واقع اجتماعی مجموعه‌ای پویا از عناصری هستند که در این مجموعه‌های در حرکت همساز می‌شوند و به یک «هویت» می‌رسند. بدین‌سان عناصر ترکیب‌پذیر، با حفظ هویت ویژه خود، در ترکیب با یکدیگر نیز یک کل واحد ملموس را شکل می‌دهند (نگین تاجی، انصاری و پورمند، ۱۳۹۶).

۳- رخداد ذهنی: رسیدن به مکان که پس از رویارویی رخ می‌دهد و شناخت مکان که پس از کشف نظم فضایی آن رخ می‌دهد، به ماندن و تعمق و فهم رویداد مکان می‌انجامد. همچنین، رویداد از فهم بیننده حاصل می‌شود و مکان دیدار می‌تواند به‌سادگی محلی برای ژرف‌اندیشی و تأمل برای فهم رویداد مکان باشد که در این حالت دوری و فاصله‌ای میان

#### جدول ۱. پیشینه مطالعات دهه اخیر پیرامون موضوع مکان در بناهای تاریخی

نویسندگان و سال	عنوان پژوهش	نتایج و یافته‌ها
مشهدی، ۱۴۰۱	تبیین اصول نگرش به مکان در آثار تاریخی باستانی شهر دامغان (مطالعه پژوهی مسجد تاریخانه دامغان)	نتایج نشان می‌دهد که اصول نگرش به مکان از طریق عناصر کالبدی در مسجد تاریخانه دامغان رخ داده است و مکانمندی این مسجد بر نمود مفهوم نگرش مکان افزوده است. مسجد تاریخانه دامغان بنایی استعاری با عناصر سنتی از جمله پوشش طاق آهنگ و طاق ضربی و مصالح بوم آورد خشتی است و بدین طریق موجب برانگیختن خاطرات گذشته، احساس هویت مکانی و تجربه عمیق در مخاطب می‌شود.
ابی زاده، ۱۴۰۱	ارزیابی سطوح حس مکان در بناهای تاریخی و تأثیر آن در ماندگاری آثار تاریخی - فرهنگی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین شاخص‌های حس مکان، شاخص فداکاری برای مکان دارای بیشترین میزان است و در مرتبه بعد شاخص حضور پذیرگی مکانی، اهمیت بالاتری دارد که به‌منظور حفظ و تداوم آن‌ها در بناهای تاریخی در راستای ماندگاری آثار تاریخی - فرهنگی باید موردتوجه قرار گیرد.
سلیمی، شریف‌زاده و بنی اردلان، ۱۳۹۹	پدیدارشناسی مکان‌های مقدس با تکیه بر معماری ایرانی اسلامی	مهم‌ترین جنبه حسی این مسجد سیر از ظاهر به باطن و اتحاد مثلی عناصر کالبدی با نور و معانی است که موجب شکل‌گیری ارتباط عمیق درونی و

دیالکتیکی بین مسجد و ناظر شده است.	(مسجد شیخ لطف ا.)
در مواجهه فرد با مکان و در پروسه برقراری ارتباط بین عینیت و ذهنیت، (صورت و محتوای مکان)، به مدد رویکرد نشانه‌شناسانه خوانشی عمیق‌تر از برداشت و تعامل وی با محیط صورت می‌گیرد که این امر ناشی از ارتباط مکان با احساسات، تعلقات، تجارب و ذهنیت وی است.	بازتاب نقش نشانه‌شناسی در فرآیند گذر از فضا به مکان در مجموعه (تاریخی سعد السلطنه قزوین)
منوط بودن تداوم یک پدیده به حضور هم‌زمان دو کیفیت پویایی و ثبات در آن پدیده. همچنین رابطه دو جزء انسان و فضا در روابط بین اجزاء مکان، واجد بیشترین اشاره‌های معنایی و ماندگاری ذهنی است.	ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد)
امکان استفاده از هر دو رویکرد پدیدارشناسی مکان در مراحل اولیه فرآیند طراحی برای افزایش میزان موفقیت طرح در آفرینش حس مکان پس از بهره‌برداری	تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی
نتایج این تحقیق نشان می‌دهد مکان تاریخی در درجه اول یک «کل یکپارچه و وجود عینی اندازه مند و آنچه در تغییر مدام است» دانسته می‌شود. ضمن آن‌که اندازه مندی‌های وجود خاصش (در مراتب سه‌گانه معنا، صورت و ماده) در ذیل نظامات وجودی متجلی در قوانین عالم طبیعی و عالم فرهنگی واقع می‌شود.	هستی‌شناسی مکان تاریخی تأملی هستی‌شناسانه در مکان تاریخی در پرتو اصالت وجود
وجود ارتباط معنادار بین معنا و هویت مکان با ساکنان گذشته، به طوری که آسیب‌های انسانی و محیطی و سیاست‌گذاری‌های نادرست تخریب و نوسازی، موجب تغییر چهره بافت و کاهش حس مکان شده است.	بررسی پدیدارشناسی مکان بازخوانی هویت مکانی بافت‌های تاریخی

### داده‌ها و روش کار

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، کیفی و به لحاظ هدف، تفسیری است. از نظر روش انجام مبتنی بر استدلال استقرایی است که با تکیه بر رویکرد فلسفی انجام پذیرفته است. در این پژوهش، پژوهشگر به تفسیر معانی موجود در نشانه‌های کالبدی و معماری می‌پردازد، لذا بهره‌مندی از رویکرد فلسفی بدان جهت دارای اهمیت است که موجب تمامیت ادراک متن می‌شود. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، دو بنای تاریخی در شهر تهران است که نخست؛ به دلیل قدمت تاریخی دوره طولانی‌تری را به خود اختصاص داده‌اند و دوم؛ بیشترین گردشگر را به خود فرامی‌خوانند. این دو بنای تاریخی که متعلق به دوره قاجار می‌باشند عبارت‌اند از: کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس.

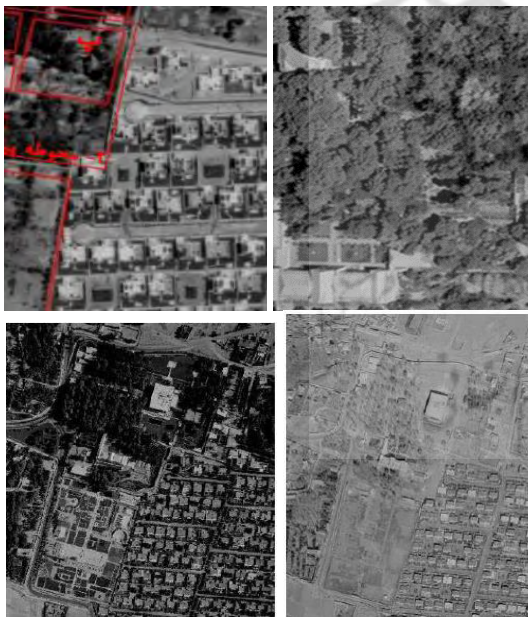
دستیابی به اطلاعات معماری بناهای تاریخی در این شهر جهت شناسایی مؤلفه‌های نگرش مکان در بناهای مورد مطالعه، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، بازدید از بناها و عکس‌برداری انجام پذیرفته است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که باهدف شناسایی اصول مکانیت در بعد کالبدی این دو بنای تاریخی و بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت از پاسخ‌های کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم طراحی شده است. روایی

مرور مطالعات و پیشینه تئوری‌های مطرح در خصوص موضوع پدیدارشناسی مکان، نشان می‌دهد که در اکثر پژوهش‌ها بر اهمیت ابعاد ذهنی، تصورات و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی در ادراک مکان تأکید شده است. لکن، تعداد پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مکانمندی و اصول نگرش مکان به‌ویژه در بناهای تاریخی محدود است. لذا در راستای تشریح و تبیین مکانمندی این نوع بناها، نویسندگان پژوهش حاضر با تأکید بر ادراکات حسی نشأت گرفته از عناصر و مؤلفه‌های کالبدی بناهای تاریخی به بررسی مکانمندی این بناها می‌پردازند تا بدین طریق بتوانند رخدادهای نگرش مکان در بناهای تاریخی را بازنمایی کنند.

پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که میان اصول نگرش مکان و ادراکات حسی شهروندان رابطه‌ای دوسویه برقرار است و عناصر کالبدی بکار رفته در دو بنای تاریخی شهر تهران موجب شکل‌گیری این رابطه می‌شود. از این رو با انتخاب دو بنای تاریخی «کاخ صاحبقرانیه» و «باغ فردوس» به‌عنوان بناهای مورد مطالعه در پی دستیابی به پرسش‌های زیر است: ۱. چگونه نگرش مکان در بناهای مذکور بر ادراکات حسی شهروندان تأثیر گذاشته است؟ ۲. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نگرش مکان در این بناها کدام‌اند؟



بر اساس عکس‌های هوایی دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ می‌توان باغ نیاوران را به سه قسمت جنوبی، شمالی و محدوده پیرامون کاخ که پیوند دهنده دو قسمت شمالی و جنوبی است، تقسیم کرد. قسمت جنوبی ضمن تغییر شکل، به پارکی با ته رنگ طرح باغ جبهه جنوبی تبدیل شده است. بخش شمالی بیشترین تغییرات را داشته و احتمالاً به دلیل ارتباط با حرم، اطلاعات کمتری از آن در دست است. بخش میانی باغ که محدوده پیرامون عمارت صاحبقرانیه است، تغییرات زیادی کرده و برای درک طرح باغ بااهمیت است. عکس‌های تاریخی و مطالعات اخیر نشان می‌دهد که شیب طبیعی زمین در شرق و غرب کاخ بسیار تند بوده است؛ گویی صاحبقرانیه بر قله یک کوه قرار دارد. باغ این عمارت در سرایشب واقع شده که خود عمارت در وسط آن در تپه سنگی بناشده به طوری که جلگه تمامی شهر و نواحی آن در زیر پای آن قصر بیش از یک‌مشت خاک نیست. جدای از دو باغ شمالی و جنوبی، صاحبقرانیه بخش وسیعی در مرکز دارد شامل چهار بخش که حول عمارت اصلی سازمان‌دهی شده است (جیحانی و غفاریان، ۱۳۹۸). شکل (۲) تصاویر ماهواره‌ای این کاخ را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد.



شکل ۲. عکس هوایی باغ صاحبقرانیه به ترتیب از راست به چپ در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۱، ۱۳۴۵، ۱۳۴۸ (سازمان ملی نقشه‌برداری کشور ایران، ۱۹۶۹)

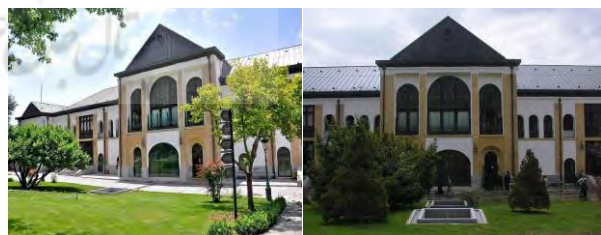
موجودیت کلی بنای کاخ صاحبقرانیه به عنوان معماری کامل و فعال مورد باز زنده سازی قرار گرفته است و امروزه از آن به‌عنوان جاذبه تاریخی استفاده می‌شود. از این‌رو این بنا دارای

این پرسشنامه که در مجموع دارای ۲۰ سؤال بوده با استفاده از روش اعتبار محتوا و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ سنجیده شد و آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه، عدد ۰/۸۶ به دست آمد.

جامعه آماری پژوهش را دو گروه بناهای تاریخی و صاحب‌نظران، اندیشمندان و متخصصان تشکیل داده است که در این تحقیق نمونه آماری گروه اول شامل دو بنای تاریخی در شهر تهران (کاخ صاحبقرانیه) و (باغ فردوس) و گروه دوم، شامل ۲۰ نفر از صاحب‌نظران، اندیشمندان و کارشناسان مجرب و مطلع پیرامون موضوع تحقیق است. پس از توزیع پرسشنامه‌ها میان جامعه آماری و دریافت نظرات آن‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به روش AHP انجام پذیرفته تا مؤلفه‌های مکانیت شناسایی شده در بناهای مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار گیرد.

در ادامه به شرح مختصری از بناهای مورد مطالعه تحقیق پرداخته می‌شود:

۱- کاخ صاحبقرانیه: که مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران بخشی از آن محسوب می‌شود، در گذشته از توابع روستای قدیمی نیاوران بوده است. این باغ که به دستور فتحعلی‌شاه در منطقه‌ای خوش آب‌وهوا و خارج از تهران ساخته شد مشتمل بر خلوات و صفا‌های باصفا و حوض‌های پر آب بود. در اواخر سده ۱۳ ه.ق. عمارت نیاوران خراب و به‌جای آن ساختمانی جدید به نام صاحبقرانیه احداث شد که باوجود ساختن بنایی جدید، محوطه و ابعاد باغ تغییراتی نداشته و به همان شکل باقی‌مانده است (سازمان میراث فرهنگی استان تهران، ۱۴۰۱). شکل (۱) تصاویری از این کاخ را نشان می‌دهد.

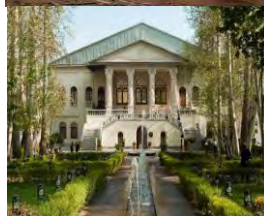


شکل ۱. کاخ صاحبقرانیه تهران

ارزش‌ها و معانی‌ای است که به سبب آن‌ها مخاطب می‌تواند تصورات، مفاهیم و معانی را در برمی‌گیرد و در مواجهه به اثر درک بهتری از بنا داشته باشد. این ارزش‌ها که مجموعه‌ای از تاریخی قابل‌برداشت هستند؛ در جدول (۲) ارائه شده‌اند.

### جدول ۲. ارزش‌های تاریخی کاخ صاحبقرانیه تهران

اصالت	از آنجایی که اصالت به معنای دست‌اول بودن یا دست‌نخورده بودن اثر است، در کاخ صاحبقرانیه، اصالت برگرفته از ماهیت این بنا است که در کالبد بنا و محوطه پیرامونی بالأخص از طریق مصالح و عناصر طبیعی و گیاهان نمود پیدا کرده است و معرف دوره قاجاریه است. ضمن آنکه اصالت این بنا در ارزش‌ها تاریخی، کارکردی و هویتی آن نیز نهفته است که از طریق محوطه این کاخ و باغ‌های پیرامونی آن نمود پیدا کرده است.
قدمت	کاخ صاحبقرانیه دارای سابقه‌ای بیش از دوره ناصری است باین‌وجود ناصرالدین‌شاه قاجار آن را توسعه داد. این کاخ امروزه به‌عنوان سند تاریخی و فرهنگی به دلیل قدمت خود، ثبت جهانی گشته است.
منحصربه‌فرد بودن	اصلی‌ترین ویژگی‌های منحصربه‌فرد بودن این کاخ بهره‌مندی از باغ‌های متعدد در حیاط این کاخ همراه با نوع جهت‌گیری ساختمان کاخ و توجه به اقلیم منطقه است که از این طریق توانسته خود را با زیست‌بوم و بستر طرح خود هماهنگ سازد. لذا می‌توان ادعان نمود که کاخ صاحبقرانیه بر اساس ویژگی‌های مکانی و زمانی و زیست‌محیطی مربوط به خود شکل گرفته و در طول زمان نیز متناسب با همین ویژگی‌ها تغییراتی کرده است؛ لیکن نسبت به دیگر آثار هم‌جوار خود متفاوت و متمایز است.
رویداد مردم شناختی	رویداد مردم شناختی در کاخ صاحبقرانیه با توجه به موقعیت مکانی و بهره‌مندی از عناصر طبیعی و همچنین جاذبه گردشگری بودن، ایجاد شده است که از این طریق همواره مورد بازدید گردشگران و مسافران می‌باشد. رویداد مردم شناختی در این بنا با توجه به نوع کاربری و بازدیدهای مستمر از بنا جریان دارد و به‌صورت عینی و یا از طریق بازخوانی عناصر کالبدی مختص به دوران قاجار و پهلوی و فضاهای وابسته به آن و همچنین محیط پیرامونش قابل‌استخراج است.
زیبایی‌شناسی	در کاخ صاحبقرانیه، نحوه استقرار بنا که متأثر از محیط اطراف نیز می‌باشد، با ایجاد نمودی متفاوتی از بنا که دارای ارزش‌های باستان‌شناختی و ملی است از دید زیبایی‌شناسی قابل‌بررسی است. ضمن آنکه عناصر تزئینی این بنا که شامل گچ‌بری‌ها، نقوش گیاهی، مقرنس‌کاری‌ها، نقاشی و... می‌باشند؛ به این امر کمک شایانی کرده‌اند؛ زیرا جلوه‌های هنری و به‌طور کلی جلوه‌های ادراکی اثر معماری؛ از طریق عناصر شکل‌دهنده کالبدی و تزئینات بنا قابل‌دستیابی است.



۲- باغ فردوس: که در حال حاضر به پارک و محوطه مشجر کوچکی در حوالی تجریش گفته می‌شود که موزه سینما در آن قرار دارد. با نگاهی به متون و اسنادی که در آن‌ها به این باغ اشاره شده، می‌توان دریافت که آنچه اکنون به آن باغ فردوس اطلاق می‌شود، تنها بخشی از این باغ وسیع و تاریخی است. آن‌گونه که در اسناد تاریخی اشاره شده، به‌طور کلی اراضی میان اسدآباد و ولنجک (از طرف شمال) و الهیه (از طرف جنوب) و دره تجریش (از طرف مشرق) و محمودیه (از طرف مغرب)، جزء اراضی این باغ بوده است (سازمان میراث فرهنگی استان تهران، ۱۴۰۱). شکل (۳) تصاویری از این باغ را نشان می‌دهد.

شکل ۳. باغ فردوس تهران

موجودیت کلی بنای باغ فردوس به عنوان معماری کامل و فعال قابل بازسازی است و طرح مرمت آن در دستور کار قرار گرفته است و امروزه از آن به عنوان جاذبه تاریخی استفاده می‌شود. از این رو این بنا دارای ارزش‌ها و معانی‌ای است که به سبب آن‌ها مخاطب می‌تواند درک بهتری از بنا داشته باشد. این ارزش‌ها که مجموعه‌ای از تصورات، مفاهیم و معانی را در برمی‌گیرد و در مواجهه به اثر تاریخی قابل برداشت هستند؛ در جدول (۳) خلاصه شده‌اند.


### جدول ۳. ارزش‌های تاریخی باغ فردوس

اصالت	از آنجایی که اصالت به معنای دست‌اول بودن یا دست‌نخورده بودن اثر است، در باغ فردوس، اصالت برگرفته از ماهیت آن در کالبد بنا و همچنین فضای سبز و بهشت گونه بنا نمود پیدا کرده و معرف دوره قاجار است. ضمن آنکه اصالت این بنا در نوع معماری بنا، نوع طراحی فضای سبز، کارکرد بنا و هویتی آن نیز نهفته است علاوه بر عوامل کالبدی از طریق نقاشی‌های داخلی قابل مشاهده است.
قدمت	قدمت باغ فردوس مربوط به دوره قاجاریه است که دارای حیاطی به سبک چهارباغ می‌باشد. باگذشت زمان و روی کار آمدن پادشاهان تغییرات کالبدی بسیاری در این بنا انجام شده بالأخص در قنات، استخرهای باغ و سردر عالی در جلو میدانگاه.
منحصربه‌فرد بودن	اصلی‌ترین ویژگی‌های منحصربه‌فرد بودن این باغ بهره‌مندی از عناصر چهارگانه طبیعت (آب و گیاه) است که بر اساس نوع قرارگیری و کاشت و حتی طرح چهارباغ توانسته خود را با زیست‌بوم و بستر طرح خود هماهنگ شوند. لذا می‌توان ادعان نمود که باغ فردوس بر اساس ویژگی‌های زیست‌محیطی و کاربری خود که همواره محل استراحت پادشاهان قاجار بوده، شکل گرفته و در طول زمان نیز متناسب با همین ویژگی‌های تغییراتی کرده است؛ لیکن نسبت به دیگر آثار هم‌جوار خود متفاوت و متمایز است.
رویداد مردم‌شناختی	رویداد مردم‌شناختی در باغ فردوس با توجه به موقعیت مکانی که درون شهری است و همواره مورد بازدید و اقامت گردشگران و مسافران بوده است؛ نمود پیدا کرده است؛ زیرا رویداد مردم‌شناختی در این بنا با توجه به نوع کاربری و بازدیدهای مستمر از بنا به صورت عینی و با بازخوانی آثار برج مانده از آن جریان دارد. ضمن آنکه نوع طراحی بنا و عناصر معماری آن که بیانگر دوران برپایی این باغ هستند، خود نمودی بر رویدادهای مردم‌شناختی در این بنا است.
زیبایی‌شناسی	در باغ فردوس، نحوه استقرار بنا که متأثر از محیط اطراف نیز می‌باشد، با ایجاد نمودی متفاوتی از بنا که دارای ارزش‌های باستان‌شناختی و ملی است از دید زیبایی‌شناسی قابل بررسی است. ضمن آنکه عناصر تزئینی این بنا که شامل گچ‌بری‌ها، نقوش گیاهی، آینه‌کاری، نقاشی و... می‌باشند؛ به این امر کمک شایانی کرده‌اند؛ زیرا جلوه‌های هنری و به‌طور کلی جلوه‌های ادراکی اثر معماری؛ از طریق عناصر شکل‌دهنده کالبدی و تزئینات بنا قابل دستیابی است.

### شرح و تفسیر نتایج

طی مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی که پیرامون بناهای مورد مطالعه پژوهش حاضر انجام پذیرفت، یافته‌هایی حاصل شد که توصیفی از بناهاست و خلاصه‌ای از آن‌ها در جدول (۴) ارائه شده است.

### جدول ۴. مؤلفه‌های کالبدی بناهای مورد مطالعه

نام بنا	مؤلفه‌ها	تحلیل	مصادیق
کاخ صاحبقرانیه	مصالح	فرم کاخ کاملاً متناسب با زمینه و بستر پیرامون طراحی شده است با بناهای تجاری، مسکونی و فضاهای سبز اطراف خودش ارتباط برقرار می‌کند. انتخاب نوع مصالح (گچ و سنگ) در این بنا به عنوان مصالح اصلی این بنا آن را هماهنگ با بستر و محیط اطرافش کرده است.	



	تناسبات این بنا که دارای کشیدگی بیشتری در محور طولی نسبت به عرضی است، از شاخصه‌های آن است	تناسبات
	با تغییرات کاربری کاخ صاحبقرانیه و بازسازی‌های متعدد آن، امروزه نورپردازی‌های داخلی و خارجی عمارت تغییر نموده و بهبودیافته است. به گونه‌ای که در شب‌نمایی بسیار زیبا را به نمایش می‌گذارد.	نورپردازی
	با توجه به آنکه این کاخ دارای معماری دوره قاجار و تزئینات فراوان است، رنگ غالب چه در داخل و چه در خارج بنا رنگ سفید است که به صورت کاملاً هماهنگ با زمینه، کف‌سازی و محیط اطراف می‌باشد. از این رو مزاحمت بصری را ایجاد نمی‌کند و از اغتشاش بصری می‌پرهیزد.	رنگ
	فرم پلان باغ فردوس که کاملاً متناسب با زمینه و بستر پیرامون طراحی شده است با بناهای تجاری، مسکونی و فضاهای سبز اطراف خودش ارتباط برقرار می‌کند. انتخاب نوع مصالح (گچ و سنگ) در عمارت این بنا به عنوان مصالح اصلی این بنا آن را هماهنگ با بستر و محیط اطرافش کرده است.	مصالح
	تناسبات این بنا که دارای کشیدگی بیشتری در محور طولی نسبت به عرضی است، از شاخصه‌های آن است. ضمن آنکه تناسبات عمارت این باغ نیز کاملاً هماهنگ با تناسبات خود باغ است.	تناسبات
	با تغییرات کاربری عمارت باغ فردوس به موزه سینما، امروزه نورپردازی‌های داخلی و خارجی عمارت تغییر نموده و بهبودیافته است. به گونه‌ای که در شب‌نمایی بسیار زیبا را به نمایش می‌گذارد	نورپردازی
	رنگ غالب رنگ سفید است که به صورت کاملاً هماهنگ با زمینه، کف‌سازی و محیط اطراف می‌باشد. از این رو مزاحمت بصری را ایجاد نمی‌کند و از اغتشاش بصری می‌پرهیزد.	رنگ

باغ فردوس

این آزمون بیانگر آن است که در بناهای تاریخی مورد مطالعه میزان تأثیر همه عوامل به‌طور یکسان نبوده و شاخص مصالح و رنگ بالاترین تأثیر را دارا هستند و با توجه به اینکه میزان Sig برابر با ۰/۰۰۰ است و از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد، آزمون در سطح ۹۵٪ معنادار است. جدول (۵) نتایج آزمون فریدمن را نشان می‌دهد.

در بازخوانی اصول نگرش مکان از دیدگاه کالبدی در بناهای تاریخی مورد مطالعه، مؤلفه‌های «مصالح»، «رنگ»، «فرم»، «تناسبات»، «نورپردازی» و «عناصر طبیعی» مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه تحلیل آن‌ها به تفکیک بناها ارائه می‌گردد. به منظور دستیابی به تأثیرگذارترین عامل از میان عوامل کالبدی مذکور از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج

جدول ۵. ضریب همبستگی میان شاخص‌های سازنده بعد کالبدی بنا

عناصر طبیعی	نورپردازی	تناسبات	فرم	رنگ	مصالح	N=۲۰
۰/۴۸۸	۰/۴۵۱	۰/۴۱۲	۰/۴۸۸	۰/۳۸۸	۰/۳۸۸	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	احتمال معناداری

«فرم»، «تناسبات»، «نورپردازی» و «عناصر طبیعی» به ترتیب معادل ۰/۴۸۸ و ۰/۴۱۲ و ۰/۴۵۱ و ۰/۴۸۸ همگی، رابطه مثبت بین شاخص‌ها را بازگو می‌نمایند. در ادامه ضریب همبستگی بین جز معیارهای عوامل کالبدی بر اساس همبستگی کندال بررسی شده است که مطابق جدول (۶) ارائه می‌شود.

بر اساس جدول فوق مشخص می‌گردد که میزان همبستگی میان شاخص «مصالح» و «کالبد» برابر با ۰/۳۳۸ می‌باشد و احتمال معناداری آن ۰/۰۰۰ است، از این رو با اطمینان ۹۵٪ بین مصالح و کالبد رابطه مثبتی برقرار است. در مورد میزان همبستگی میان شاخص «رنگ بنا» و «کالبد» وضعیت بر همین منوال است. میزان همبستگی‌های به دست آمده برای شاخص‌های

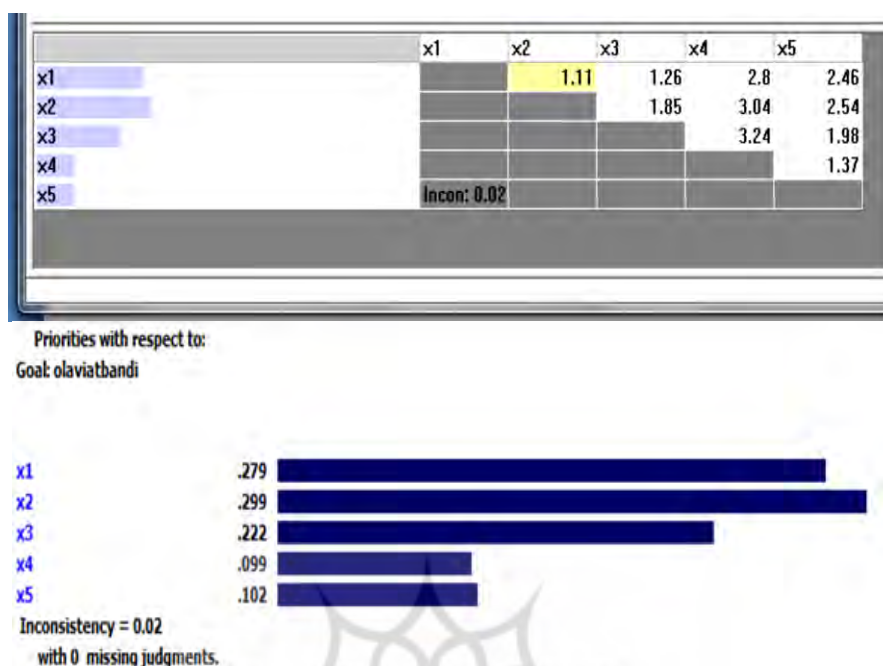
جدول ۶. ضریب همبستگی شاخص‌های سازنده بعد کالبدی

عناصر طبیعی	نورپردازی	تناسبات	فرم	رنگ	مصالح	N=۲۰	شاخص‌ها
۰/۰۳۵	-۰/۰۱۱	-۰/۰۳۵	-۰/۰۳۱	۰/۰۳۵	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	مصالح
۰/۴۷۰	۰/۸۳۰	-۰/۴۷۰	۰/۵۴۲	۰/۴۷۰	۰	احتمال معناداری	
-۰/۰۱۱	۰/۰۳۱	-۰/۰۳۵	-۰/۰۱۱	۱/۰۰۰	۰/۰۳۵	ضریب همبستگی	رنگ
۰/۸۳۰	۰/۵۴۲	-۰/۴۷۰	۰/۸۳۰	۰	۰/۴۷۰	احتمال معناداری	
۰/۰۳۵	۰/۰۳۱	-۰/۰۳۵	۱/۰۰۰	-۰/۰۱۱	۰/۰۳۱	ضریب همبستگی	فرم
۰/۴۷۰	۰/۵۴۲	-۰/۴۷۰	۰	۰/۸۳۰	۰/۵۴۲	احتمال معناداری	
۰/۰۳۱	-۰/۰۱۱	۱/۰۰۰	-۰/۰۳۵	۰/۰۳۵	۰/۰۳۵	ضریب همبستگی	تناسبات
۰/۵۴۲	۰/۸۳۰	۰	-۰/۴۷۰	۰/۴۷۰	۰/۴۷۰	احتمال معناداری	
۰/۰۳۵	۱/۰۰۰	-۰/۰۱۱	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	-۰/۰۱۱	ضریب همبستگی	نورپردازی
۰/۴۷۰	۰	-۰/۸۳۰	۰/۵۴۲	۰/۵۴۲	۰/۸۳۰	احتمال معناداری	
۱/۰۰۰	۰/۰۳۵	-۰/۰۳۱	۰/۰۳۵	-۰/۰۱۱	۰/۰۳۵	ضریب همبستگی	عناصر طبیعی
۰	۰/۴۷۰	-۰/۵۴۲	۰/۴۷۰	۰/۸۳۰	۰/۴۷۰	احتمال معناداری	

ندارد. لذا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت میان هیچ کدام از شاخص‌ها ارتباط معناداری وجود ندارد. در ادامه تحلیل‌ها برای تعیین میزان تأثیرگذاری شاخص‌های کالبدی در مکانیت بناهای تاریخی، از آزمون AHP جهت اولویت‌بندی آن‌ها استفاده شد. برای این کار در گام اول به مقایسه زوجی شاخص‌ها پرداخته شد. بدین ترتیب که پس از ساخت مدل در برنامه Expert choice و ورود ماتریس‌های مقایسات زوجی، وزن شاخص‌ها به دست آمد. شکل (۴)، اولویت‌بندی شاخص‌ها را از نظر افراد نمونه نشان می‌دهد. در این جدول شاخص مصالح با علامت x1، عناصر محیطی x2، شاخص رنگ x3، شاخص فرم و تناسبات x4، شاخص نورپردازی x5 مشخص شده‌اند. شایان ذکر است دو شاخص فرم

میزان همبستگی میان شاخص‌های «مصالح» و «رنگ» برابر با ۰/۰۳۵؛ میان شاخص‌های «جنس» و «فرم» برابر با ۰/۰۳۱؛ میان شاخص‌های «مصالح» و «تناسبات» برابر با ۰/۰۳۵؛ میان شاخص‌های «مصالح» و «نورپردازی» برابر با -۰/۰۱۱ و میان شاخص‌های «مصالح» و «عناصر طبیعی» معادل ۰/۰۳۵ به دست آمده است که به ترتیب دارای احتمال معناداری معادل با ۰، ۰/۴۷۰، ۰/۵۴۲، ۰/۴۷۰، ۰/۸۳۰ و ۰/۴۷۰ می‌باشند. با عنایت به اینکه این مقادیر از ۰/۰۵ بالاتر می‌باشند، لذا فرض عدم پیوستگی میان کلیه شاخص‌ها رد می‌شود و ارتباطی میان آن‌ها برقرار نیست. در خصوص سایر شاخص‌ها نیز وضعیت بر همین منوال است و همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ارتباط معناداری بین شاخص‌ها با یکدیگر وجود

و تناسبات به دلیل قرابت معنایی و مفهوم آن در نظرسنجی در یک مؤلفه ادغام شد.



شکل ۴. خروجی نرم‌افزار Expert choice و اولویت‌بندی شاخص‌های کالبدی

بستر طرح هماهنگی با محیط اطراف بسیار ستوده‌اند. به لحاظ تناسبات نیز از نسبت کشیدگی طولی بیشتر به ارتفاع برخوردارند و این کشیدگی به امنیت، سایه‌اندازی و نوع نورگیری فضاهای داخلی دارای اهمیت است. در تحلیل یافته‌های آماری چنین می‌توان توضیح داد که:

روند نگرش به مکان در باغ فردوس از طریق اصالت بنا هویدا گشته است. این اصالت از طریق نحوه استقرار بنا متأثر از محیط اطراف، با ایجاد نمودی متفاوت از بنا دارای ارزش‌های باستان‌شناختی و ملی از بعد زیبایی‌شناسی قابل بررسی است. ضمن آنکه عناصر تزئینی این بنا که شامل گچ‌بری‌ها، نقوش گیاهی، آئینه‌کاری، نقاشی و... می‌باشند؛ به این امر کمک شایانی کرده‌اند. زیرا جلوه‌های هنری و به‌طور کلی جلوه‌های ادراکی اثر معماری؛ از طریق عناصر شکل‌دهنده کالبدی و تزئینات بنا قابل دستیابی است. در باغ فردوس خوانایی به‌واسطه عناصر طبیعی و طرح چهارباغ محوطه ایجاد گشته است که به‌خوبی تصویری اولیه از کل بنا و ارزش‌های آن به مخاطب القاء می‌کند و با توجه به همین عناصر و همچنین بهره‌مندی از تزئینات و تنوع فرمی و وسعت فضایی، مدت‌زمان زیادی از ذهن مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد. ضمن آنکه چشم‌انداز محدود به باغ و عدم برخورداری دید از درون به بیرون سایت با

همان‌طور که از شکل فوق پیداست، اصلی‌ترین مؤلفه عناصر کالبدی در نگرش مکان در دو بنای تاریخی مورد مطالعه عناصر طبیعی (گیاه و آب) (X2) است و این مؤلفه با داشتن بالاترین درصد، بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر مؤلفه‌ها دارد. باوجود اینکه شاخص‌های کالبدی در بناهای منتخب عوامل معماری هستند، به یکدیگر وابسته‌اند و تمامی آن‌ها در کنار یکدیگر موجب مکانیت یک فضا و مکان می‌شوند به‌طوری‌که حذف یا عدم توجه به یکی از آن‌ها سبب مخدوش شدن نگرش مکان و هویت این بناها می‌شود؛ اما میان هیچ‌کدام از این شاخص‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. در بررسی شاخص‌های کالبدی موردسجش در معماری بناهای تاریخی، بر اساس پاسخ صاحب‌نظران به پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت مشخص گردید که شاخص عناصر طبیعی (گیاه و آب) در دو بنای تاریخی منتخب شهر تهران دارای مطلوبیت ۸۰ درصد می‌باشند و این بناها به‌خوبی با محیط و بستر پیرامون خود هماهنگ هستند. با توجه به رنگ غالب بناهای تاریخی که قهوه‌ای و آجری است و فرم‌های تلفیقی و ترکیبی از مستطیل و مربع‌هایی با ابعاد مختلف و با زاویه چرخش گوناگون، پرسش‌شوندگان این نوع ترکیب‌بندی و رنگ‌بندی را جهت تأمین مطلوبیت فضا و ایجاد آسایش بصری، همخوانی با زمینه و

تنوع و چندگانگی بالأخص در فرم‌ها و تزئینات بنا است و از این رو شناخت زمانی اتفاق می‌افتد که شخص قبلاً با این مکان آشنایی داشته باشد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان نمود که در کاخ صاحبقرانیه به دلیل وجود فضاهای سبز، تناسبات، هماهنگی با بستر و بهره‌مندی از عناصر طبیعی محیطی، عوامل شکلی مکان و شاخصه‌های آن پدید آمده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به اهمیت مسئله مکان در بناهای تاریخی و حفظ مکانمندی آن‌ها در جوامع امروزی، تحقیق حاضر باهدف بازخوانی اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی به شناسایی مؤلفه‌های کالبدی مؤثر در ادراکات حسی مخاطب در بناهای تاریخی می‌پردازد تا بتواند نگرش مکان را در ذهن مخاطب بازنمایی کند. یافته‌های حاصل از سنجش شاخص‌های مورد مطالعه در دو بنای تاریخ کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس مشخص گردید که از میان شاخص‌های کالبدی شاخص عناصر طبیعی (گیاه و آب) بالاترین درصد را دارا می‌باشند. باوجوداینکه شاخص‌های کالبدی در بناهای منتخب عوامل معماری هستند، به یکدیگر وابسته‌اند و تمامی آن‌ها در کنار یکدیگر موجب مکانیت یک فضا و مکان می‌شوند، همچنین یافته‌های نشان می‌دهد میان هیچ کدام از این شاخص‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

لازم به ذکر است بناهای تاریخی شهر تهران به دلیل جذب گردشگر بالا در تمامی روزهای سال و مسائل اقتصادی - سیاسی، مورد بازسازی قرار گرفته‌اند و به‌خوبی توسط سازمان‌ها حمایت می‌شوند. از این رو این بناها با توجه به عناصر زیست‌محیطی که در داخل خود بنا قرار گرفته است و نوع کاربری این فضاها که اکثراً موزه می‌باشد و مکانی برای بهبود تعاملات اجتماعی و خاطره‌انگیزی است، لذا دارای ارزش والاتری در راستای نگرش به مکان و معنای نهفته در آن هستند. این بناها به‌طور کلی در هماهنگی با بستر و زمینه خود و همچنین ساختمان‌ها و کاربری‌های هم‌جوار خود بنا شده‌اند و تغییرات به وجود آمده طی گذر زمان نتوانسته است بر تأثیرگذاری این بناها در کالبد بناهای هم‌جوار تأثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر از آنجاکه اصول نگرش به مکان در نخستین گام از طریق سیمای بنا که توسط مخاطب ادراک می‌شود، به وجود می‌آید، لذا چنانچه سیمای بنایی نامناسب، نامعقول، بی‌ارتباط با محیط باشد، نمی‌توان انتظار داشت که تصویر ذهنی مناسبی را در مخاطباننش ایجاد نماید. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد در نگاه پدیدارشناسی مکان به بناهای مورد مطالعه

توجه به کاشت درختان چنار بلند و برخوردار از چشم‌اندازهای عالی بیننده را فقط محصور در خود می‌کند.

لازم به ذکر است که در این باغ به دلیل وجود فضاهای سبز، تناسبات، هماهنگی با بستر و بهره‌مندی از عناصر طبیعی و محیطی، عوامل شکلی مکان و شاخصه‌های آن پدید آمده‌اند. عوامل تجزیه‌ناپذیر مکان شامل عناصر، نشانه‌ها، کیفیت‌های بصری و ملاحظات زیبایی‌شناسی که بازگوکننده چستی مکان است، در این بنا مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان بیان نمود که کلیه مؤلفه‌های مکانیت که به‌واسطه حضور در فضا و ارتباط با آن رخ می‌دهد، در باغ فردوس حضور دارند. چراکه هویت خاص این باغ به سبب ارتباط با فضای سبز اطراف، بستر طرح، استفاده از عناصر طبیعی در حیاط و پیرو آن ذهنیت مخاطبان و تمایل آنان به شناخت و ادراک حسی غنی از فضا و درک هماهنگی مجموعه با زمینه قرارگیری خود و کیفیت فعالیت‌ها، اهمیت برگزاری رویدادهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی در احساس تعلق و خلق تصاویر ذهنی از فضا نزد گردشگران و اجتماعی - فرهنگی بودن این مجموعه تاریخی، نمونه مورد بررسی را به فضایی پویا و منحصر به فرد در راستای باز زنده سازی مؤلفه‌های مکان هستند، تبدیل می‌کند. حال در کاخ صاحبقرانیه که در هم‌جواری بناهای مسکونی و تجاری قرار گرفته است، خوانایی به دلیل عدم برخوردار از این بنا از پیچیدگی فضایی رخ داده است و به‌واسطه مؤلفه خوانایی بیننده شناخت و احاطه سریعی از بنا و محیط آن در دقایق اولیه بازدید به دست می‌آورد که این عمل در بدو ورود از طریق چیدمان گیاهی نمود یافته است. لذا خوانایی این بنا بیشتر به‌واسطه عناصر طبیعی و طرح چهارباغ محوطه بیرونی است که به‌خوبی تصویری اولیه از کل بنا و ارزش‌های آن به مخاطب القاء می‌کند و با توجه به همین عناصر و همچنین بهره‌مندی از تزئینات و تنوع فرمی و وسعت فضایی، مدت‌زمان زیادی از ذهن مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد. در بدو ورود به کاخ صاحبقرانیه، مخاطب ابتدا با ورودی و سپس باغ‌های اطراف این کاخ روبرو می‌شود، سپس با قدم زدن در حیاط و در میان انبوه درختان، گیاهان حوض‌های آب و فواره‌های آن، به آرامش روحی و جسمی دست پیدا می‌کند؛ گویی تمامی خستگی خود را از تن خارج می‌کند و به استشمام هوای تازه می‌پردازد. سپس در گام بعدی پس از دریافت حسی از محیط حیاط به تماشای عناصر کالبدی و فرمی کاخ صاحبقرانیه واقع شده در انتهای این منظره می‌پردازد و آن را با ذهنیات قبلی‌اش از این بنا تحلیل می‌کند. ضمناً می‌بایست خاطر نشان نمود که در لحظه مشاهده عمارت کاخ صاحبقرانیه توسط مخاطب برای اولین بار، در ذهن او مکان نوینی کشف می‌شود؛ زیرا این کاخ سرشار از

مؤلفه‌های «معنامندی فضایی»، «بخشیدن روح به مکان از طریق مؤلفه‌های کالبدی»، «دریافت و ادراکات حسی»، «عجین شدن با خاطره» و «هویت از طریق عناصر کالبدی» مطابق جدول (۷) توانسته است در مکانمندی این بناها نقش‌آفرینی نماید.

### جدول ۷. مباحث نگرش مکان در کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس تهران

عناصر و مؤلفه‌های شاخص	توضیحات
معنامندی فضایی	تعاملات اجتماعی بیشتر با تغییر کاربری به موزه و هماهنگی با بستر پیرامون.
بخشیدن روح به مکان از طریق مؤلفه‌های کالبدی	استفاده از عناصر طبیعی و زیست‌محیطی (عنصر آب و گیاه) توانسته است به این مکان روح بخشد.
دریافت و ادراکات حسی	از طریق عناصر کالبدی و بالأخص عناصر طبیعی موجود در حیاط این بنا انجام می‌شود.
عجین شدن با خاطره	دارا بودن هویت، مکانی برای تعاملات اجتماعی، بازگوکننده تاریخ و فرهنگ دوران قاجار از طریق فضا‌مندی و عناصر کالبدی و تزئینات بسیار در محیط داخلی و خارجی عمارت این کاخ
هویت از طریق عناصر کالبدی	کاخ صاحبقرانیه، بنایی استعاره‌ای است که به سبب استفاده از عناصر فرمی از جمله سنتوری، ستون‌ها، نوع تزئینات گچ‌بری و مقرنس‌کاری‌ها، پله‌ها و ابعاد فضایی خود به‌خوبی بیانگر هویت خود است. چراکه این‌گونه تزئینات در بنا از خصوصیات دوران قاجار و پهلوی بود؛ و باغ فردوس نیز به سبب استفاده از عناصر فرمی مختص یونان بالأخص سنتوری، ستون‌ها، نوع تزئینات گچ‌بری و مقرنس‌کاری‌ها، پله‌ها و ابعاد فضایی خود به‌خوبی بیانگر هویت خود در دوران قاجار است. عناصر طبیعی واقع در خود و همچنین پیرو فضاهای موجود و عناصر کالبدی توانسته است موجب برانگیختن خاطرات گذشته، حس هویت مکانی و تجربه عمیق در مخاطب شود...
	
	تزئینات بسیار و فرم‌های یونانی
	رویدادهای تاریخی و تعاملات اجتماعی - فرهنگی.
مؤلفه‌های ارزشمند نگرش مکان در کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس	هم‌جواری‌های ارزشمند
	تعامل با محیط
	عناصر کالبدی و بصری

از این رو در راستای تبیین اصول نگرش به مکان و ادراک آن می‌توان بیان نمود که اصل هویت‌مندی از طریق عناصر کالبدی در بناها همچون هندسه، فرم و تناسبات، نور و تزئینات همراه با اصل پیکره و سیما به واسطه عناصر کالبدی (مصالح، ترکیبات رنگی و تناسبات) که موجب برانگیختن ادراکات مخاطبان این فضا شده‌اند، از مهم‌ترین اصول نگرش به مکان و مکانمندی بناهای تاریخی هستند که می‌توان با بازیابی این دو مهم مکانمندی بناها را بهبود بخشید. در پایان برای بررسی مکانمندی

لزوم توجه به اصل هویت‌مندی و ارزش‌های نهفته در بناهای تاریخی برای حفظ مکانمندی آن‌ها را می‌توان دریافت‌های مطالعات مشهدی (۱۴۰۱)؛ اسی زاده (۱۴۰۱)؛ نگین تاجی و همکاران (۱۳۹۶) و پورمند و فلاح (۱۳۹۲) نیز مشاهده نمود. لذا همسویی نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعات پیشین می‌تواند مؤید این نکته باشد که اصول نگرش به مکان و ادراک آن در ارزش‌های نهفته در بناها بوده و مؤلفه‌های کالبدی می‌تواند تقویت‌کننده این ادراک باشند.



تاریخی - فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی. تاریخ و فرهنگ، ۴۹(۱)، ۹-۳۶.

سختاوت دوست، نوشین و البرزی، فریبا (۱۳۹۸). بازتاب نقش نشانه‌شناسی در فرآیند گذر از فضا به مکان در مجموعه تاریخی سعد السلطنه قزوین. *مطالعات شهری*، ۲۲ (۸)، ۶۶-۴۷.

سلیمی، مینا، شریف‌زاده، محمدرضا و بنی‌اردلان، اسماعیل (۱۳۹۹). پدیدارشناسی مکان‌های مقدس با تکیه بر معماری ایرانی-اسلامی (نمونه موردی: مسجد تاریخی شیخ لطف‌الله اصفهان). *عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)*، ۱۶(۶۳)، ۲۵۱-۲۶۷.

شرفیان، محمدمین و طهوری، نیر، اعتصام، ایرج و ذبیحی، حسین (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی پدیدارشناسی معماری در نظریات یوهانی پالاسما و استیون هال، *کیمیای هنر*، ۸(۳۳)، ۸۰-۶۳.

عزیزمقدم، محمدمین و هاشمی طغراجرودی، سیدمجید (۱۴۰۱). معماری به مثابه فرهنگ؛ تحلیلی بر کاراکتر زاویه بصری در تطبیق‌پذیری فرهنگ و معماری فضاهای بینابین. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۴(۲)، ۱۳۰-۱۵۴.

علی‌الحسابی، مهران، رضازاده، راضیه و چریگو، نصیبه (۱۳۹۶). ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد). *باغ نظر*، ۵۲(۱۴)، ۱۷-۲۶.

مظفر، فرهنگ، ندیمی، هادی و صالحی، ابوذر (۱۳۹۶). هستی‌شناسی مکان تاریخی (تأملی هستی‌شناسانه در مکان تاریخی در پرتو اصالت وجود). *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۲(۲)، ۳۳-۲۰.

نگین‌تاجی، صمد، انصاری، مجتبی و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۶). تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی. *هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ۲۲(۴)، ۸۰-۷۱.

وحدت، سلمان، کریمی‌مشاور، مهرداد و بخشی بالکانلو، عادل (۱۳۹۶). تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران و شهرسازان. نمونه موردی: شهر ارومیه. *آمایش جغرافیایی فضا*، ۲۶(۳)، ۱۳۰-۱۴۴.

بناهای تاریخی در شهرهای مختلف پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند در این حوزه با تأکید بر بناهای بارزش مؤلفه‌های مؤثر در مکانمندی را از بعد کالبدی، عملکردی، ادراکی نیز مورد بررسی قرار داده و به بازخوانی اصول نگرش مکان در بناهای جدید نیز بپردازند. همچنین مسئولین و مدیران اجرایی با توجه به اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی ضمن در دستور کار قرار دادن حفاظت‌های تاریخی و مرمت ابنیه در تقویت هویت‌مندی این بناها گام‌های مؤثری بردارند.

## منابع

ابی‌زاده، الناز (۱۴۰۱). ارزیابی سطوح حس مکان در بناهای تاریخی و تأثیر آن در ماندگاری آثار تاریخی - فرهنگی. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۴(۴)، ۷۳-۸۴.

پورمند، حسنعلی و فلاح، حسین (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان بازخوانی هویت مکانی بافت تاریخی. *ماه هنر*، ۱۸۱، ۶۱-۷۲.

پیوسته‌گر، یعقوب و اکبری، زهرا (۱۴۰۰). بررسی تأثیر و ارتباط دل‌بستگی به مکان و هویت مکانی در افراد بومی و غیربومی در سه مقیاس: شهر، محله و خانه. *برنامه‌ریزی و توسعه محیط شهری*، ۳(۱)، ۴۵-۶۲.

تابان، محسن، پورجعفر، محمدرضا و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۵). هویت مکان. *رویکردی پدیدارشناسانه. هویت شهر*، ۱۰(۱۲)، ۷۹-۹۰.

جیحانی، حمیدرضا و غفاریان، حریر (۱۳۹۸). مطالعه سیر تحول تاریخی و بازبانی طرح اصیل باغ صاحبقرانیه در نیاوران. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۲۸(۱۲)، ۲۱-۳۴.

حبیب‌زاده کوزه‌کنانی، سیدجواد، عبدالله‌زاده طرف، اکبر، ستاری ساربانقلی، حسن و پاکدل فرد، محمدرضا (۱۴۰۱). تحلیلی بر عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت‌های تاریخی (مورد پژوهی: شهر تبریز). *معماری و شهرسازی پایدار*، ۱۰(۲)، ۹۵-۱۰۶.

رحیمی، محمدعلی و ایزدی‌زمان‌آبادی، سمانه (۱۴۰۱). تبیین رابطه مفاهیم حس امنیت بانوان و حس تعلق به مکان در بافت تاریخی شهری نمونه موردی: (محله جو باره شهر اصفهان). *برنامه‌ریزی و توسعه محیط شهری*، ۲(۸)، ۷۵-۹۲.

سامانیان، صمد، حجت، مهدی و محتشم، عادل (۱۳۹۶). واکاوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار

Abizadeh, Elnaz.(2023), Evaluating the levels of the sense of place in historical monuments and its effects on the

durability of historical - cultural heritage. *Sociology of Culture and Art* ,4(4):73-84, [In Persian]

- Alalhesabi, Mehran. & Rezazadeh, Razieh, Charbgo, Nasibeh.(2017). Presenting a Conceptual Model for Place Meaning and Continuity Indexes (Interpretative Phenomenological Analysis of Lived Experiences). *Bagh-e Nazar*, 14(52):17-26. [In Persian]
- Azizghadam, M.A, and Hashemi Togharjardi, S.M.(2023). Architecture as culture; An analysis of the character of the visual angle in the versatility of culture and architecture of the spaces in between. *Sociology of Culture and Art*, 4(2): 130-154. [In Persian]
- Habibzadeh kouzekonani, S.J; Abdollahzade Taraf, A. Sattari Sarbangholi, H. & Pakdel Fard, M.R.(2022). An Analysis of the Factors Explaining the Sense of Place in Historical Textures (Case Study: Tabriz). *Sustainable Architecture and Urban Design*, 10(2): 95-106, [In Persian]
- Jeyhani, H. Ghafarian, H. (2019). Study on the Historical Evolution and Authentic Layout of Sahebqeraniyeh Garden in Niavaran. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 12, (28): 21-34. [In Persian]
- Mashhadi, A. (2022). Explaining the Principles of Attitude to Place in the Ancient Historical Monuments of Damghan (A Study of the Tarikhaneh Mosque of Damghan). *Interdisciplinary Studies of Iranian Architecture*, 1(1): 31-41.[In Persian]
- Mozafar, F; Nadimi, H; Salehi, A.(2017). The Ontology of Historic Places: An Ontological Contemplation on Historic Places in the Light of the Doctrine of Principality of the Existence. *JRIA*, 5 (2):20-33. [In Persian]
- Negintaji, S. Ansari, M. & pourmand, H.(2018). Explanation of the relationship between human and place in architecture design process by a phenomenological approach. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 22(4):71-80, [In Persian]
- Newell, R. & Canessa, R." (2018). *From sense of place to visualization of place: examining people-place relationships for insight on developing geovisualizations*. *Heliyon*, 4(2) e00547
- Newell, R. & Canessa, R. (2018). *From sense of place to visualization of place: examining people-place relationships for insight on developing geovisualizations*. *Heliyon*, 4(2) e00547
- Peyvastehgar, Y. & akbari, Z.(2021). Investigating the effect and relationship between attachment to place and spatial identity in indigenous and non-indigenous people in three scales: city, neighborhood and home. *Urban Environmental Planning and Development* ,1(3):45-62, [In Persian]
- Pourmand, H; Fallah, H.(2012). Phenomenology of place, rereading the identity of place, historical context. *Mah-e-Honar* 181: 61-72. [In Persian]
- Rahimi, M & Izadi Zamanabadi, S.(2023). expressing the relationship of women's safety based on the sense of place attachment to urban historical texture. for instance: (Isfahan's jubareh neighborhood). *Urban Environmental Planning and Development*, 2(8): 75-92, [In Persian]
- Relph, E.(1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Relph, E.(1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Salimi, M, Sharifzadeh, M, and BaniArdalan, E. (2020). Phenomenology of holy places based on Iranian-Islamic architecture (case example: Sheikh Lotfollah historical mosque of Isfahan). *Islamic Mysticism (Religions and Mysticism)*, 16(63): 251-267. [In Persian]
- Samanian, S. Hujjat, M. & Mohtasham, A.(2017). Historical Exploration into and Chronological Order of Values in

- Preservation and Restoration of Historico-Cultural Monuments with Reliance on the Thinkers' Opinions and Universal Documents. *Journal of History and Culture*, 49(1): 9-36, [In Persian]
- Schultz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, Language, Place*, Milan: Akira.
- Schultz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, Language, Place*, Milan: Akira.
- Sekhavat doost, N. & Alborzi, F.(2019). Reflection of semiotics ideas in the process of moving from space to place in the historical Complex of Qazvin Saad-al-saltaneh. *Motaleate Shahri*, 32(8):47-64, [In Persian]
- Sharifian, M.A, Tahuri, N, Etisam, I, and Zabihi, H.(2018). A comparative study of architectural phenomenology in the theories of Johanni Pallasma and Steven Hall. *Alchemy of Art*, 8, (33): 63-80. [In Persian]
- Taban, M, Pourjafar, M, & Pourmand, H. (2012). Identity and Place; Phenomenological Approach. *Hoviatshahr*, 6(10): 79-90. [In Persian]
- Vahdat, S; Karimi Moshaver, M; Bakhshi Balkanlou, A. (2018). Factors contributing to this sense of place and urban planners from the user perspective (Case Study: Orumiyeh Revolution Square and the supreme leader). *Geographical Planning of Space*, 26(7):129-144. [In Persian]

